

عزای مطبوعات و پاسخ‌های مسوولان!

محمد رضا کردلو

اولین انتظار از کسی که مدعی آزادی بیان دارد، چیست؟ حداقل خواسته دیگری که شعار «زنده باد مخالف من» را می‌شنوند، از گوینده این سخن چه می‌تواند باشد؟ مردم افکار عمومی، روزنامه‌ها، منتقدان و مخالفان از چه حقوقی برای بیان نظراتشان بهره‌مندند؟ یکی هست که آزادی بیان را معنا کند؟

اینکه کارگردانی «شبه‌روشنفکر» به منتقدان خود بگوید «خسر»، همانقدر زنده است که دیگری بگوید «اگر فالانی رای نیابود مردم بریزند تو خیابونا» و همانقدر زنده است که دیگری منتقدان خودش را به جهنم بفرستد و همانقدر زنده است که به «راننده تاکسی‌ها، لب‌فروش‌ها، بقال و سلمانی» اجازه اظهار نظر در مسائل مختلف را ندهند.

این رفتارهای زنده یک جنس همه به خاطر عدم اعتقاد به دیالوگ است. به خاطر اعتقاد نداشتن به گفت‌وگو است. رفتارهای زنده همه یک بنیان روانشناختی دارند و آن «کبر» است. زمانی که فضای دیالوگ از بین می‌رود، منتقدان به خاطر انتقاد مورد عتاب قرار می‌گیرند و توبیخ و تنبیه می‌شوند و این تنبیه و توبیخ‌ها توسط روزنامه‌ها و سیاهی‌لشکرهای قلمی دولت تشویق می‌شود.

مع‌الاسف، این ایام عزای مطبوعات است. آن روز که نماینده مطبوعات در هیات نظارت بر مطبوعات حکم بر بستن دهان منتقد دهد، حقا عزای عمومی مطبوعات است. مع‌الاسف، روزگار شعار است. ناغافل «تورم» صفر می‌شود! «رکود» عبور می‌کنیم!

ادامه در صفحه ۵

ارزش خبری «خبر مرگش»

مهدی جابری

خبر مرگش؛ این تیتیری بود که دی‌ماه ۹۳ همزمان با طرح اخبار ضد و نقیض درباره مرگ پادشاه سعودی بر صفحه نخست روزنامه «وطن امروز» نشست و به‌رغم استقبال افکار عمومی و رسانه‌های مردمی، صدای اعتراض مجموعه دولت یازدهم و رسانه‌های حامی آنها را بلند کرد! حتی کار به جایی رسید که روزنامه در عرض چند روز با نظر وزارت ارشاد و به بهانه سرپیچی از مصوبه ۵۷۱ شورایی امنیت ملی در پروسه محاکمه و دادگاه مطبوعات قرار گرفت تا در نهایت شاهد گشته و مجروح شدن ۵۷۱ ایرانی در حوادث تلخ مکه و منا باشیم.

البته فقط یک هفته از انتشار تیتیر «خبر مرگش» گذشته بود که خبر مرگ پادشاه سعودی از سوی مقامات عربستان اعلام شد و ذهن‌ها را به ارزش خبری همان تیتیر معروف معطوف کرد و تیتیر حرفه‌ای، ذهن خلاق و قدرت تحلیل یک رسانه را به اثبات رساند. این اتفاقات در حالی رخ داد که همزمان شاهد توطئه نفتی آل سعود علیه ایران و تحمیل خسارت ۱۸ هزار میلیارد تومانی به کشور در فروش نفت بودیم که حتی واکنش تند رئیس‌جمهورمان به این توطئه را به دنبال داشت. آقای حسن روحانی در حالی یک روز بعد از انتشار خبر دادگاهی شدن «وطن امروز» از توطئه نفتی سعودی علیه ایران گفت که تیتیری دوکلمه‌ای و حرفه‌ای، توسط دولت تحمل نمی‌شود. در همان روزها که «وطن امروز» پروسه دادگاه و محاکمه را طی می‌کرد حوادث تلخی در یمن و سوریه رخ داد و واکنش‌های داخلی و بین‌المللی را به جنایات هولناک آل سعود در پی داشت تا ثابت شود دادگاهی شدن «وطن امروز» آن هم به خاطر بیش و تحلیل صحیح این روزنامه از اوضاع منطقه و جهان اتفاقی ناصحیح بوده است. فروردین ۹۴ اوج اعتراضات رسانه‌ای در ایران و برخی کشورها به جنایات رژیم سعودی بود. مه‌ماه امسال نیز اخبار تلخی از سرزمین وحی مخابره شد که ابهامات و البته اعتراضات به آن حوادث همچنان ادامه دارد؛ هزاران زائر خانه خدا در حرم امن الهی قربانی فضای نامنی شدند که از سوی حکومت آل سعود ایجاد شده بود.

آنچه موجب تعجب اهالی رسانه می‌شود این است که شکایت هیات نظارت بر مطبوعات از «وطن امروز» همچنان بر قوت خود باقی است و این روزنامه مراحل دادگاه خود را طی می‌کند!

ادامه در صفحه ۵



میلیون‌ها نفر از مردم ایران با حضور پر شور در راهپیمایی ۱۳ آبان، نفرت از آمریکا و عوامل داخلی‌اش را فریاد زدند

ضد نفوذ

صفحه ۲

استرس انقلابی زیستن!

علی هدایت

ملت ایران در شرایطی که همه اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر غربی انتظار داشتند به واسطه افزایش فشار اقتصادی، نظام اسلامی را رها کرده و قید انقلاب را بزنند، با متانت و صبوری اسطوره‌ای، سخت‌ترین شرایط را متحمل شدند و حاضر به رویارویی با نظام مردمی خود نشدند. به‌رغم بهره‌مندی نظام جمهوری اسلامی ایران از بهترین مردمی که حقیقتاً نقیض دنیای مادی‌گرا و ارزش‌ستیز فعلی هستند، اصرار عجیبی در میان بخشی از دولتمردان برای «افزایش فشار سیاسی روزمره» بر آنها وجود دارد. این روزها اگر از کنار دیوارهای سفارت سابق آمریکا یا «لانه جاسوسی» در تهران عبور کرده باشید، با شعارنویسی‌های جدیدی با مضمون «مرگ بر آمریکا ۲۰۱۵» و «مرگ بر اسرائیل» مواجه می‌شوید که ایرانی‌ها همچون دوره ابتدای انقلاب روی دیوار به یادگار گذاشته‌اند. برخی چنین رفتاری در دوره اقتدار جمهوری اسلامی به عنوان «استکبارستیزترین» حاکمیت جهانی را غیرضروری ارزیابی می‌کنند اما آیا کسی تلاش کرد علت استرس و نگرانی مردم درباره «حذف شعار مرگ بر آمریکا» را درک کند؟ حقیقت این است که مردم از برخی رفتارها و شعارها و عکس‌العمل‌های لیبرال‌های غربی در عرصه سیاست «نگران» شده‌اند و از استرس روزانه وارده به جامعه به سبب تعدی به ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب در عذاب هستند.

مردم مشاهده می‌کنند روزنامه‌های زنجیره‌ای غربی با سرعتی قارچ‌گونه و با ثروت قارون‌های پشت‌پرده، رشد می‌کنند و گیشه را در تصاحب خود درآورده‌اند اما معدود رسانه‌های حامی ارزش‌های انقلاب، از کیهان و «وطن امروز» گرفته تا خبرگزاری‌هایی همچون تسنیم و نسیم و فارس و جهان‌نیوز و موج، با فشار سیاسی و اقتصادی روزانه دولتی‌ها مواجهند!

در روزی که رئیس مجمع تشخیص مصلحت از تریبونی رسمی اعلام می‌کند «گر انقلاب با اندیشه امام پیش می‌رفت وضعیت بهتری داشتیم»، فرآکسونی که خود را «هروان ولایت» می‌خواند رئیس صدا و سیما را به علت اجرای فرمان رهبر انقلاب و پایبندی به آرمان انقلابی «دانستن، حق مردم است»، بازخواست می‌کند! مسرمد با چشم و گوش باز همه این رفتارها را می‌بینند و می‌شنوند.

مردم خواهند که «هدف از مذاکره تابوشکنی رابطه با آمریکا بود» و دیدند که «دست دادن اتفاقی بسا اوباما» آرمان و آرزوی چند رسانه زنجیره‌ای و کدام سیاستمداران را به حقیقت تبدیل کرد. همه مردم نگران خط امام شدند. سرنگون‌کنندگان مجسمه‌های شاه و همسرش، از بازگشت رفتارهای ارباب - رعیتی نگران شدند وقتی شنیدند فرزند شهیدی توسط محافظان مادرشوهر عروس آقای هاشمی کتک خورده است و متأسفانه موارد بسیاری از رفتارهای تیم حفاظت آن شخصیت را در شبکه‌های اجتماعی به سه عنوان مرکز غیررسمی انتشار اطلاعات، به اشتراک گذاشتند. خیلی‌ها از مطالعه چنین اخباری در دشمن آمد و بیش از آن سبیل «تهمت و فحاشی» روانه شده از سوی تیم رسانه‌ای وقیح‌تر حامی همان افراد اذیت‌شان کرد. آنجا که خواهند «لاچوردی‌ها از ابتدا همه کینه هاشمی‌ها را به دل داشتند» و بزرگ سردار اقامه‌گر اخلاق اسلامی در مواجهه با منافقین را «قاتل لاهوتی‌ها» خطاب کردند. «اسدالله لاچوردی» هنوز درگیر با منافقین است و از جمل زخم می‌خورد و از امیرالمومنین اجبر جهاد طلب می‌کنند؛ اما آیا کسی از حال خوانندگان انقلابی که پلیدی‌های لشکر رسانه‌ای ساکنان سهره یاسر را شنیده‌اند خبر دارد؟ کسی می‌داند چند کینه‌سریباز خمینی که از نزدیک لاچوردی را می‌شناختند از «قاتل خواندن وی» به بهانه تصادف عروس هاشمی رفسنجانی با فرزند شهید، دل خون شده‌اند؟

ادامه در صفحه ۵

بازگشت همه به سوی اوست
جناب آقای حاج صادق آهنگران
 درگذشت پدر گرامی‌تان را به جنابعالی تسلیت عرض نموده؛ برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و خانواده محترم صبر و اجر از درگاه حضرت احدیت مسألت داریم.
 وطن امروز

دادند و مهم‌تر از آن اینکه مفهوم آن را با زخم‌هایی که عموسام بر جانشان نشانده با پوست و گوشت خود حس کرده‌اند. حالا حتی حریمی‌های داعش هم که به گفته هیلاری دست‌برورده خود کاخ سفید هستند، وقتی می‌خواهند در میان مسلمانان اعتباری به هم بزنند، حرف از نابودی آمریکا می‌زنند. اما آرزوی خلاص شدن از شر آمریکا، فقط به مسلمانان و همسایگان ما ختم نمی‌شود. همین حالا که با هم صحبت می‌کنیم ۲ دهه از راه افتادن جنبش «راهپیمایی میلیون‌ها» توسط اقلیت‌ها و سیاهان ایالات متحده می‌گذرد. جنبشی که در گردهمایی ۵۰ هزار نفری ۲۰ روز پیشش (۱۰ اکتبر) در واشنگتن شعاری بسیار آشنا به گوش می‌رسید:

Down America یا «سرنگون آمریکا» نشانه‌ای از آنکه بسیاری از شهروندان سرخ و سیاه و زرد در خود پیکنگ دنیا به قدری تحت تبعیض موجود امریکنی آمریکا هستند که طبعاً وقتی شعار «سرنگونی آمریکا» سر می‌دهند خودشان را امریکایی نمی‌دانند و اینگونه دارند آمریکا در می‌کنند. برای همین بعید نیست در آینده‌ای نزدیک این آمریکا چنان از درون فروپاشد که شعار «مرگ بر آمریکا» مصداق امروزینش را از دست بدهد. البته پیش‌بینی می‌کنم آن روز هم کماکان ۱۳ آبان‌ها آمریکا در کنیم.

«آمریکا به در» ۱۳ آبان

سپس نوروز بدین خاطر از ۳ هزاره پیش به امروز رسید چون ایرانیان، رسم گرامیداشت سال نو را به جنبش پاسداشت هویتشان در مقابل بیگانگان بدل کردند. درباره سیاسی بودن سنت ۱۳ به‌در هم که انقدر تاریخ رسته و افسانه بافته‌اند که وصف سیاسی بودن آن با سخنرانی ایران‌هراسانه نتانیاهو درباره عید پوریم یهود و افسانه مردخای و هامان، به کنگره آمریکا نیز رسید. امروز هم مثل دیروز، تاریخ ما به سنت‌سازی زنده است و در مسیر تکاپوی ایران از دوست و دشمن خود اسطوره و دیو می‌سازد. حالا آمریکا به‌در ۱۳ آبان به مثابه حجی است ملی که در منایش، جلوی لانه جاسوسی مظهر شیطان بزرگ می‌ایستیم و او را رمی می‌کنیم. روزی که با آن تحقیر ۲۸ مردادها را به دست گلوچران‌های نوکیسه فراموش می‌کنیم، یانکی‌هایی که نه تنها شیخه جان و خاک‌مان را می‌مکیند بلکه با چندرغاز تمدن از ملت ما حق توحش کاپیتولاسیون طلب می‌کردند. چنان که ۲۹ اسفند فقط سالروز ملی شدن نفت نیست که مرهمی است بر خراطری به سیاهی‌نفت از زخم‌هایی که ظلم و مکر انگلیسی‌ها بر تن ایران نشاند.

شروین طاهری: جای تان سبز، ای ایران

دیروز هوایی تازه کردیم و پرچمی آتش زدیم و مرگ بر آمریکا میسوطی گفتیم و خلاصه آمریکا‌مان را در کردیم. اتفاقاً پرچمی که آتش زدیم شبه‌پیام‌های ستاره‌نشان بود که سیزده راه سرخ و سفید داشت و این را به نشانه سوزاندن نجسی‌ها به فال نیک گرفتیم. حالا دیگر پس از گذشت ۲۶ سال از ورود سر زده به خانه کدخدا، ۱۳ آبان دیگر فقط یک مناسبت انقلابی نیست و کم‌کم دارد به عیدی ایرانی تبدیل می‌شود و می‌رود که میراثی ماندگار شود. اگر یلدا و نوروز و سیزده بدر به تاریخ کهن این ملت نقب می‌زنند، «آمریکا بدر» هم مثل ۲۲ بهمن معرف تکاپوی روزگار معاصر ما ایرانیان است.

اگر گمان می‌کنید که این تعبیر زیاده‌روی سیاسی یا مصداق تازه به دوران رسیدگی انقلابی است، به تاریخ بازگردید و اعیاد و مناسبت‌های باستانی‌مان را از نو مرور کنید. چرا برای ما ماندند؟ تنها و تنها بدین خاطر که سیاسی شده‌اند یا به دست فانتخان و حاکمان صاحب اقبال مردمی رخ داده‌اند یا در مواجهه با آنهایی که اشغالگرشان می‌پنداشتیم، بوده‌اند. رسم نوروز بدین خاطر جشن نوروز شد که داریوش شاه هخامنشی می‌خواست به‌واسطه آن یکپارچگی قلمرویش را با به رخ کشیدن جلال و جبروت پارسه به حاکمان منطقه‌ای تضمین کند.

عکس: ابراهیم چندری، وطن امروز